

هنر رهبری کورش بزرگ

نوشته‌ی:

گزنفون

خوانش:

امین هدیریک

ترجمه و افزودن:

کورش زعیم



نشر هزار کرمان

تهران - ۱۳۹۵

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور : هنر رهبری کورش بزرگ / نوشته‌ی گزننفون؛ خوانش لاری هدریک؛ ترجمه و افزودن‌ها کورش زعیم.
مشخصات نشر : تهران: هزار کرمان، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری : ۳۱۹ ص: مصور؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س م.
فروست : گفتگوی فرهنگ‌ها، ۱.
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۰۰-۱۰-۷
وضعیت فهرست‌نویسی : فیفا
یادداشت : عنوان اصلی:

Xenophon's Cyrus The Great: The Arts of Leadership and War

یادداشت : این کتاب برگرفته از کتاب "Cyropaedia" نوشته‌ی گزننفون است.
یادداشت : چاپ قبلی این کتاب تحت عنوان "کورش بزرگ گزننفون: هنر رهبری و جنگ، تحت انتشارات ایران‌مهر در سال ۱۳۸۸ منتشر شده است.
عنوان اصلی : کورش بزرگ گزننفون: هنر رهبری و جنگ.
موضوع : کورش هخامنشی، شاه ایران، - ۵۲۹ ق م. -- داستان
موضوع : مدیریت؛ رهبری
موضوع : ایران -- شاهان و فرمانروایان -- داستان
موضوع : ایران -- تاریخ -- هخامنشیان، ۵۵۸ - ۳۳۰ ق م.
شناسه افزوده : هدریک، لاری Hedrick, Larry
شناسه افزوده : عیم، کورش، - مترجم
رده‌بندی کنگره : DSR ۲۳۷/۴۹۰۱۵
رده‌بندی دیویی : ۳۹۰۲۶۲۹ شماره‌کتابشناسی ملی

نقل مطالب و طراحی‌های این کتاب (جز برای مقاصد نقد کتاب)، اقتباس، چکیده‌نویسی، خواندن در رادیو و تلویزیون و گسترش در اینترنت و هرگونه مادی دیگر بی‌اجازه‌ی کتبی از ناشر ممنوع است.

نشر هزار کرمان: تهران، خیابان کارگ جنوبی، پایین‌تر از میدان پاستور، خیابان دانشگاه جنگ،

پلاک ۹، تلفن: ۱۲۷۳۳۴۲۶۶ - ۶۶۹۲۳۹۱۰

Email: nashrhazarkerman@yahoo.com

www.hazarekerman.ir



نشر هزار کرمان

هنر رهبری کورش بزرگ

گزننفون
خوانش: لاری هدریک
ترجمه و افزودن‌ها: کورش زعیم
ویراستار: علی قاسمی
نسخه‌پرداز، کتابشناسی و بازخوانی نهایی: عقاب علی‌احمدی
طراحی روی جلد و صفحات: جمشید حقیقت‌شناس
طراحی نشانه‌ی نشر هزار کرمان: محمد جهانی‌مقدم
حروفچینی: افسانه شاه‌کرمی؛ صفحه‌بندی: علی اکبر حکم‌آبادی
چاپ اول: ۱۳۹۵
شمارگان: ۱۲۰۰ نسخه
لیتوگرافی: کارا؛ چاپ: غزال؛ صحافی: مینو
ناشر: انتشارات هزار کرمان

فهرست

۱۳	پیشگفتار.....
۲۱	پیشگفتار لاری هدریک ترجمه فارسی.....
۲۳	نامه‌ی لاری هدریک به مناسبت چاپ دوم.....
۲۵	پیشگفتار مترجم.....
۲۹	پیشگفتار نویسنده بر متن انگلیسی چاپ.....
۳۴	نگاهی بر نوشته‌های کلاسیک مرتبط.....
۳۶	چکیده‌ی ویرایشی نوین.....
۳۹	کتاب اول: دلاوری از آغاز.....
۴۰	در کردار نیک نمونه باش.....
۴۲	تا می‌توانی بر دانش خود بیافزا.....
۴۴	از فرصت‌های غیرمنتظره بهره‌برداری کن.....
۴۶	با انگیزه‌ی یک نظم نوین، الهام‌بخش پیروان خود باش.....
۴۷	بدان چه هنگام خاموش باشی.....
۴۹	همیشه خداوند را ستایش کن.....
۵۱	یک رهبر راستین مردم را به آنچه باید باشند دگرگون می‌کند.....
۵۲	خطا در خوداتکایی.....

- کتاب دوم: پندی برازنده‌ی یک پادشاه ۵۵
- نگذار هیچکس بیکار بماند ۵۶
- فرمانبری نباید از روی اجبار باشد ۵۷
- پیش بینی فاجعه می‌تواند تو را از بدبختی نجات دهد ۵۸
- نیرنگ در جنگ باید جوانمردانه باشد ۶۰
- ترفندهای غیرمنتظره، دشمن را سردرگم می‌کند ۶۲
- سخن خردمندانه نوآوری می‌آفریند ۶۳
- بهره‌بری از نادانی دیگران ۶۴
- کتاب سوم: ایبر ۶۷
- خوراکی نشان بده، نه نگرانی ۷۰
- پرهیزناپذیری را از پیش شناسایی کن ۷۱
- در رویارویی با خطر، شور نشان بده نه ترس ۷۲
- ایزار باید درخور ساز باشد ۷۴
- همیشه درخور شنوندگان سخن بگ ۷۵
- تفاوت میان درجه‌داران را کلام ۷۶
- دوستی و همگرایی را با سرگرمی‌های گروهی افزایش ده ۷۹
- با خرده‌گیران آنگونه رفتار کن که سزاوارش هستند ۸۰
- تلاش برای بالا رفتن از شیب تند ۸۲
- کتاب چهارم: بهره‌گیری از فرصت ۸۵
- توان هم‌اوردی درونی را به بیرون هدایت کن ۸۶
- بلندپروازی خود را در حد منافع دیگران آشکار کن ۸۷
- با به دست گرفتن ابتکار عمل، امتیاز روانی بیافرین ۸۸
- بکوش مستقل عمل کنی ۹۰
- همه‌ی نیرومندی خود را زود هنگام نمایش نده ۹۱
- نقشه‌های بی‌خردانه را در نطفه خفه کن ۹۲
- در میدان نبرد آوای خود را به همه برسان ۹۴
- نفرهای آموزش‌دیده همیشه از تنگنا سر بلند بیرون می‌آیند ۹۵
- با ایمان به پیروزی پیشروی کن ۹۶

شیردلان از پیشارو رهبری می‌کنند نه از پشت ۹۸

کتاب پنجم: افزایش لشکریان ۱۰۱

قهرمانان خود را نمونه برای دیگران بشمار ۱۰۲

با پاداش در زیردستان خود انگیزه ایجاد کن ۱۰۳

از هر پیروزی برای پیروزی بعدی بهره برداری کن ۱۰۴

برای دفاع از برنامه‌ها از افراد خودت استفاده کن ۱۰۵

در برابر سخن ناامیدکننده استدلال کن ۱۰۶

بگذار ستایشگران تو، به جای تو کُشش کنند ۱۰۸

از هم‌سفرهای تازه بهره برداری کن ۱۰۹

انگیزه‌های مردان خود را درک کن ۱۱۱

ارتباط‌های خود را روشن و باز نگاهدار ۱۱۲

از آنها که در صحنه هستند اطلاعات بجوی ۱۱۵

از شهوت غارتگری پیشگیری کن ۱۱۷

کتاب ششم: مهمیز برای سرعت ۱۱۹

خود بزرگ‌بینی برای برخی مایه ندامت می‌شود ۱۲۰

به کارگران انگیزه بده تا در راه هدف خدمت کنند ۱۲۲

نخست به هم‌پیمانانت پاداش ده تا آنها را بخری ۱۲۴

دشمنی را که رشک نام دارد، شکست ۱۲۵

برای سرعت دادن به حرکت، دگرگونی ایجاد کن ۱۲۶

سودمندی تغییر را به زیردستان بباوران ۱۲۸

سخنوری دیگران شاید به خوبی خودت باشد ۱۳۰

بکوش هم‌پیمانان خود را در مشورت سهیم کنی ۱۳۱

از گمان خود بزرگ‌بینی جلوگیری کن ۱۳۲

بخت خوش بهانه‌ای برای آزمندی نیست ۱۳۳

کتاب هفتم: دل‌ها یکی می‌شوند ۱۳۵

خشم، شنونده را بیزار می‌کند ۱۳۶

نماینده‌ای ارزشمند برگزین ۱۳۷

- ۱۳۹..... سخن کم گوی و گزیده گوی
 ۱۴۰..... سخن را باید زیر کانه به کار برد
 ۱۴۲..... برای یکپارچگی ارتش تلاش کن
 ۱۴۲..... دوستان خود را با نمایش سخاوت مندی شادمان کن
 ۱۴۳..... نوآوری را برای سود همگان توجیه کن
 ۱۴۵..... رهایی بخش بودن وفاداری را افزون می کند

- ۱۴۷..... کتاب هشتم: تراز قدرت عوض می شود
 ۱۴۸..... بیدادگر، شدید را باید پاسخ شدید داد
 ۱۵۰..... برای خرسنان یک دادخواه ارزشمند، با سرعت عمل کن
 ۱۵۲..... نیرنگ زردمنان یک چیز است، نیرنگ ناجوانمردانه چیز دیگر
 ۱۵۳..... وفاداری را سپاس بدار
 ۱۵۶..... برای نگرهبانی از خود بدام کن
 ۱۵۸..... از فرصت برای حفظ شهرت، مرد بهره بجوی
 ۱۵۹..... طنز را هرگز با بدخواهی نایز

- ۱۶۱..... کتاب نهم: پیش به سوی پیروزی
 ۱۶۳..... رقیب را در زمین خودش به چالش کش
 ۱۶۴..... روانشناسی را همانند جنگ افزار به کار ببر
 ۱۶۵..... کاری کن که دوستان از سوی تو سخن بگویند
 ۱۶۶..... بگذار دلخوری های کهنه به استوارسازی پیم های تازه انجامد
 ۱۶۷..... ترفندی بیاندیش که پیروزی بیاورد
 ۱۶۸..... پیروزی های کاربردی، راهبرد را تغییر می دهند
 ۱۷۰..... احساسات را از تصمیم گیری دور کن
 ۱۷۱..... هرگز فداکردن دوستان را نپذیر
 ۱۷۲..... به ریز کار پرداز، اگر اهمیت داشته باشد
 ۱۷۴..... همبستگی قدرت را می افزاید

- ۱۷۷..... کتاب دهم: مهربانی دوستان
 ۱۷۸..... بی انضباطی شکست می آورد

- ۱۷۹.....نکوهش ملایم کارآتر از مجازات سخت است
- ۱۸۰.....با وجود بی‌اعتمادی دوجانبه، توافق‌های سودمند انجام بده
- ۱۸۱.....نجیب‌ترین پشتیبانان خود را در کنارت نگه دار
- ۱۸۴.....شجاعت خردمندانه، همراه با احتیاط
- ۱۸۵.....نخست به نقاط قوت برونشهری آفند کن
- ۱۸۶.....تلاش کن بدگمانی را خنثا کنی
- ۱۸۷.....نیرومندی خفته‌ی آنان را که در پیرامونت هستند، بشناس
- ۱۹۱.....کتاب یازدهم: چیرگی بر خودستایی
- ۱۹۲.....با خود هم‌انگیزه راست باش که با دیگران
- ۱۹۴.....وقتی شاد می‌شوی، زنش هستی فروتن باش
- ۱۹۵.....بگذار هم‌گام شاهد بازش تو باشند
- ۱۹۷.....نیازهای روحی دیگران را گرامی بدار
- ۱۹۸.....به پشتیبانان خود آزادی سخن گفتن بده
- ۱۹۹.....دشواری‌های آینده را پیش‌بینی کن
- ۲۰۲.....نوآوری فنی برای پیروزی حیات
- ۲۰۵.....کتاب دوازدهم: برای نظم نوین جهان
- ۲۰۶.....خوب را از اهریمنی‌هایی بده
- ۲۰۸.....پاداش دلسوزی را درو کن
- ۲۱۰.....هم‌پیمانان تازه‌ی خود را بیازمای
- ۲۱۲.....درباره‌ی چالش پیش رو، روراست باش
- ۲۱۴.....بر قدرت هم‌پیمانان خود تأکید کن
- ۲۱۶.....از زیردستان بخواه پیشنهادهای بیش‌تری بدهند
- ۲۱۹.....کتاب سیزدهم: برخورد جنگ‌افزارها
- ۲۲۰.....بی‌درنگ منبع اطلاعات را بازجویی کن
- ۲۲۱.....افراد خود را به‌نگام ستایش کن
- ۲۲۳.....جنبش‌های دشمن خود را با دقت ارزیابی کن
- ۲۲۶.....در هنگامه‌ی بحران، خود را قدرتمند بنما

- ۲۲۸..... هنگامی که تکان سخت آفند را دشمن نیرومند جذب می کند
 ۲۲۹..... نجات از سوی پیروان وفادار.....
 ۲۳۱..... مذاکره بیش تر از زور کارآیی دارد.....
 ۲۳۳..... یاغیگری را بی درنگ پاسخ بده.....
 ۲۳۴..... شکست خورده را راضی کن تا پیروزی تو را تحکیم بخشد.....

- کتاب چهاردهم: بر بال های پیروزی.....
 ۲۳۷.....
 ۲۳۹..... بلندپروازی زیاد، پیام آور فاجعه است.....
 ۲۴۰..... به سر دشمن فریبکار اعتماد نکن.....
 ۲۴۲..... گریه ها ترس نیست، مردم تو هستند.....
 ۲۴۴..... در جنگ، کار بر روی تازه نوآوری کن.....
 ۲۴۶..... نقشه ی مرموز ماه نگ دار.....
 ۲۴۷..... خجسته ترین سبطه را برای آغاز آفند برگزین.....
 ۲۴۹..... ضربه ی خود را به قلب دشمن در رو در رو وارد کن.....

- کتاب پانزدهم: وسوسه های پیروزی.....
 ۲۵۳.....
 ۲۵۴..... عیب های یک روش نادرست را نمایش بده.....
 ۲۵۶..... از خنده ی همکارانت برای انضباط پیروان مثل ساز بهره بگیر.....
 ۲۵۸..... امنیت شخصی خود را فراهم کن.....
 ۲۵۹..... پیروزی نباید بی بندوباری بزیاید.....
 ۲۶۰..... تنها آنان که به مردم خدمت می کنند سزاوار فرمانروایی هستند.....
 ۲۶۲..... هر کس را که شایستگی نشان داد، گرامی دار.....
 ۲۶۳..... رهبر باید یک قانون زنده باشد.....

- کتاب شانزدهم: هماهنگی فرمانروایی می کند.....
 ۲۶۵.....
 ۲۶۷..... بگذار احترام و خویشتنداری بر کنش هایت حکمفرما باشد.....
 ۲۶۹..... احتمال توطئه از سوی عوامل حاشیه ای.....
 ۲۷۰..... نوشیدن و خوردن و هدیه دادن به قدرتمندان.....
 ۲۷۲..... ثروت برای بخشیدن است نه گردآوری و پنهان کردن.....
 ۲۷۳..... از سوء استفاده از پول پرهیز کن.....

- زر، خداوند نیرو و روشنائی نیست ۲۷۴
- جشن و شادمانی جای خود را دارد ۲۷۶
- کتاب هفدهم: رهبری و زیرکی ۲۷۹
- قانون کورش برای سراسر شاهنشاهی ۲۸۰
- بهترین‌های خود را پاداش بده ۲۸۴
- آنان که پیشگام می‌شوند، بخت بردن دارند ۲۸۶
- از کستاختی جلوگیری کن ۲۸۷
- ثروت گسترده‌ی خود را پخش کن ۲۸۹
- رئاستی و پادشاهی با هم می‌آمیزند ۲۹۰
- به هر داری خود را بخور و بنده‌ی خود را آزاد کن ۲۹۱
- همیشه به قوت خود وفادار باش ۲۹۲
- در قدرت افسردگی را بر عاقل پستی خود تعادل برقرار کن ۲۹۴
- کتاب هجدهم: خرد زمان ۲۹۷
- پیام آوری در رؤیا ۲۹۹
- خانه‌ی خود را ساماندهی کن ۳۰۲
- دوستی همه‌ی جهان را یکی می‌کند ۳۰۴
- خداوند و نژاد بشر را گرامی بدار ۳۰۶
- آیین خاکسپاری کورش ۳۰۹
- کتابشناسی تاریخ هخامنشی به زبان فارسی ۳۱۳

پیشگفتار

سال‌ها دل طلب جام جم از ما می‌کرد
آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد

ایران: نما حقوق بشر

پژوهش درباره‌ی شخصیت‌های معاصر - ندان دشوار نیست، زیرا از یک سو اوضاع تاریخی شامل وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زمان معاصر تا حدود زیادی روشن است و اغلب پژوهش‌های زیادی از دیدگاه‌های گوناگون درباره‌ی آنها انجام شده و هم چنین امکان دسترسی به اطلاعات، مدارک و مستندات مرتبط با این دوره‌ی زمانی فراهم است و از سوی دیگر، کنش‌ها و واکنش‌های برخاسته از این دوره در تاریخ ثبت شده است، بنابراین می‌توان آن شخصیت مورد نظر، اندیشه و کردار او را در بستر تاریخی‌ای که در آن می‌زیسته، مطالعه کرد و درباره‌اش به داوری نشست.

اما پژوهش و سخن گفتن از کورش، فرمانروای ایران زمین، که نزدیک

به سی قرن پیش از این می‌زیسته، بس دشوار است، و همراه با اندیشه و تأمل و شگفتی، با این هال، شورمندی و شیفته‌سری نباید ما را به چنان گردابی بیندازد که حقیقت را واژگونه بینیم و نتوانیم درکی ژرف و داوری‌ای دقیق از آن داشته باشیم. باید تجربه‌ها، رویدادها و حقایق تاریخی را بی‌هیچ تعصب، دلبستگی و پیش‌داوری در کنار هم نهاد و با تحلیلی مبتنی بر واقعیات انکارناپذیر، درباره‌ی موضوعات و شخصیت‌ها داوری نشست.

خرد حکم می‌کند که در کنار بررسی افکار و کردار بزرگان ایران در دوره‌های گوناگون تاریخی، به اوضاع تاریخی اجتماعی ایران و سایر کشورها، دوی مورد نظر نیز توجه داشته باشیم تا از راه مقایسه بتوانیم وضعیت حکومت‌ها و ملت‌ها و حقوق مردمانشان را تحلیل و نتیجه‌گیری کنیم.

و آزادانه بررسی کنیم که آزادی اندیشه، دین و آیین، آزادی بیان و گفتار، آزادی رفت و آمد و انتخاب، بایگاه زندگی، آزادی انتخاب زبان، ارج نهادن به کار و مقام کارگر و مواردی از این دست که امروزه مدافعان حقوق انسان‌ها در سراسر جهان به کمک اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر به آن استناد می‌کنند، در زمان فرمانروایی کورش چگونه بوده است؟

بی‌گمان تمدن‌ها در گذر دوران بالنده و سرافراز می‌شوند، اوج می‌گیرند و سرانجام افول می‌کنند؛ اما، برخی از تمدن‌ها، با چنان معنویتی درآمیخته‌اند که حتی پس از به پایان رسیدن شهرهایشان، آثار ارزشمندی از آنها به جای می‌ماند. آنچنان که ریچارد فرای گفته است: «اگر بخواهیم دستاوردهای ایران عصر هخامنشی را ارزیابی کنیم، مفهوم حکومت جهانی واحد یعنی ادغام ملت‌ها و فرهنگ‌های گوناگون جهانی مهم‌ترین میراث آن قلمداد می‌شود.»

تاریخ گواهی می‌دهد، بیش از چهار هزار سال پیش، مردمی که خود را آریا (به معنی آزاده) می‌خواندند، از سرزمین‌های شمالی کره‌ی زمین به

این پهنه از گیتی (ایران) سرازیر شدند و در آن جای گرفتند و آن را آشیانه‌ی آریان خواندند.^۱

این مردمان سپس دل به اندیشه و گفتار و کردار ابرمردی سپردند که از نزدیکی دریایچه‌ی ارومیه برآمده و برای مصون ماندن از گزند حسودان، به شرق مهاجرت کرده بود. ابرمردی که پیام خداشناسی، خودشناسی، جهان‌شناسی و مردم‌شناسی را در نهانخانه‌ی دل هر یک از آنان نهاد و پی‌روی و نوسازی و انسان‌مداری را سرلوحه‌ی پیامش قرار داد. او شایسته بودن را رکن تزلزل‌ناپذیر زندگی می‌دانست و بر آن بود که مردمان، شادبودن بود را از شادی‌بخشیدن به دیگران به دست می‌آورند؛ آنجا که دلی آزوده دست نرسد، چشمتی را گریان نسازند. این نغمه‌ی مدارا و معرفت از کاخ گنج‌داران تا کعبه‌ی رحیم‌پایان راه یافت و چنان کرد که بزرگ‌ترین فرمانروایی روی زمین در سایه‌ی نگرش و ارزش‌های والای بشری پایه‌ریزی و استوار شد.

آیا در تاریخ هیچ حکومتی در دوران هخامنشیان، می‌یابیم که وظیفه‌اش شادی‌آفرینی برای مردمش باشد؟ و بر این باور باشد که قلبی می‌تواند شاد باشد و لبی توان خندیدن در دهانه‌ی مسکن، امید رفاه، تهاجم ستمگر و تفاخر زراندوزان و تکبر قریظان را به ناچار پذیرفته باشد؟ هال باید در نظر گرفت دنیای دردناک را که در هر دقیقه‌اش دو میلیون دلار هزینه‌ی ساخت جنگ‌افزارهای ویرانگر می‌شود تا کشتن انسان آسان‌تر شود و در همان هال، بیش از سی هزار نفر در شش سال در جدال با گرسنگی جان می‌بازند. کورش و اندیشه‌ی او

۱. دومین همایش پژوهش فرهنگ باستان و شناخت اوستا (مجموعه‌ی مقاله)، به کوشش مسعود میرشاهی، انجمن رودکی، پاریس، ۱۳۷۹.

نه تنها از زمانه‌ی خویش فراتر بود، که با یک مقایسه‌ی تطبیقی و سنجش منطقی و اصولی با تأثر و شگفتی درمی‌یابیم که از زمانه‌ی ما نیز فراتر بوده است.

برای آن که سخنم بی‌دلیل و برهان نباشد، ناگزیرم به دو مفهوم در حقوق توصیه‌ای استناد کنم: بیانیه‌های جهانی در ادبیات حقوق بین‌الملل به دو گروه تقسیم می‌شوند که در حقوق معاهدات از آنها با عنوان‌های «علاقه»^۱ (بیانیه‌های توصیه‌ای) و «معاهده»^۲ (بیانیه‌های الزام آور) نام می‌برند.

بیانیه‌ای توصیه‌ای، بیانیه‌هایی هستند که تنها جنبه‌ی توصیه‌ی اخلاقی دارند و زنجیر ضمانت اجرایی و به‌دور از تعقیب و بازجویی و بازخواست‌های بین‌المللی در حقوقدانان در خصوص این‌گونه بیانیه‌ها اعتقاد دارند که ابزار کار اجرایی و توانایی پیگیری در خصوص این نوع توصیه‌ها وجود ندارد؛ بنابراین اگر کشوری این بیانیه‌ها و مواردش را نادیده انگارد و بدان‌ها پایبند نباشد، تنها به ذکر نام آن کشور و حکومت و توجه دادن افکار دایمی بین‌المللی به رفتار آن اکتفا می‌شود^۳ تا شاید از این رهگذر، دولتی که این بیانیه و موارد آن را نقض کرده است، از رفتار خود شرمگین شود. بیانیه‌ای که در موضع توصیه است، فاقد توش و توان لازم برای مقابله با کاستی‌ها و نابرابری‌های بین‌المللی گسترده و پیچیده‌ی کنونی است. اما بیانیه‌های الزام‌آور، ضمانت اجرا برای اجرایی شدن و تعهد لازم برای رعایت موارد آن را به همراه دارند. با این توضیح و تحلیل کوتاه، می‌توان دریافت که آنچه کورش بزرگ در ۵۳۴

1. Declaration

2. Treaty

3. Naming and Shaming

سال قبل از میلاد بیان داشته، یک قانون و منشور بوده است و از نوع بیانیه‌های الزام‌آور محسوب می‌شود؛ یعنی فرمانی که به موجب آن ساراپ‌ها (شهربانان) موظفند در رویارویی مردم با آنها و برخورد آنها با ملت، آن را رعایت کنند.

امروزه در حقوق بین‌الملل چنین فرمانی را «قطعنامه»^۱ می‌گویند که متأسفانه «اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر» و «سی‌ماده‌ی آن، هنوز از چنین جایگاهی برخوردار نشده است، و تلاش شده با اهرم‌های دیگری، مواد آن ضمانت اجرایی بیابند.

باید توجه داشت که کورش در منشور خود اعلام داشته که رسم بردگی باید از جهان افکنده شود و هیچکس نباید دیگری را به بیگاری بگیرد و بدون پرداخت مزد از وی کار بکشد، او تأکید می‌کند که نباید کسی به دیگری ظلم کند. اگر شخصی مورد ستم واقع شد، حق او از ستمکار بازپس گرفته و مسترد خواهد شد و ستمگر نیز به مجازات خواهد رسید. کورش بر این نکته پای می‌فشارد که فرمانروایان حق ندارند زیردستان خود را خوار بشمارند او به روشنی اعلام می‌کند هر کس آزاد است هر دینی را که به آن باور دارد، برگزیند و در هر مکانی که میل دارد، ساکن شود، به این شرط که در آنجا حق کسی را پایمال نکند. شگفت‌انگیزتر آنکه اعلام می‌دارد «پادشاهی خود را بر هیچ مردمی تحمیل نخواهم کرد و همه‌ی مردمان آزادان پادشاهی را که خود می‌خواهند برگزینند و من با آن مردمان به جنگ نخواهم پرداخت» و «آری، آنان از تعلیمات پیامبر دین بهی آموخته بودند که این دعای جاویدان را برای همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها ماندگار کنند که: «ای توانای دانا (اهورامزدا)! از تو خواستاریم که این سرزمین را از شر

دشمن (نابودکننده‌ی بیرونی) و از شر دروغ (مهاجم درونی) حفظ کن.»
 بجا است به نکته‌ای اشاره کنم که در کتاب *خاطرات بنیامین فرانکلین*، یکی از بنیانگذاران ایالت‌های متحد آمریکا، آمده است. او اشاره می‌کند که به هنگام تدوین قانون اساسی آمریکا، کتاب *شهریار نیکولو ماکیاولی* و *منشور کوروش بزرگ* در برابر چشم تدوین‌کنندگان اعلامیه قرار داشته است. و آنان خوشبختی و کامیابی ملت خود را در پیروی از اندیشه‌ی کورش یافته‌اند، نه آرا و اندیشه‌های ماکیاولی. اما در هنگام تجزیه و تحلیل زندگی کورش با حقیقت تلخی نیز روبرو می‌شویم و آن این است که در دربار ما، کمتر حکومتگری از او یاد می‌کند. با این که در قرآن به او اشاره شده و تورات او را تمجید کرده، خودکامگان جهان و مستبدان پهنه‌ی سی، از آنجا که از گسترش این شیوه‌ی کشورداری و تأثیر آن بر سلطه‌ی خویش بترسیدند، از آشنایی مردم با کورش و افکار او جلوگیری می‌کنند.

صد سال پس از کورش، هنوز رده‌داری در روم و یونان چنان رواج داشت، که انسان در صدر فهرست کالای تجاری بود و حکمرانان چنان سختدل و نامهربانانه رفتار می‌کردند که به نیت، هیچ حیوانی به حیوانی روا نمی‌داشت آنچه این نامردمان با جان انسان می‌کردند.

در تمدن دیوار به دیوار آن زمان ایران، یعنی تمدن ایران، انسان‌ها به دو گروه برده و آزاد تقسیم می‌شدند و در هیچ شرایطی بر بردگان اجازه‌ی فعالیت فکری نمی‌دادند. نظام اخلاقی وفای به عهد، گروهی از اندیشه‌مندان آن را پدیده‌ای نوین می‌دانند، در زمان کورش سیراب از آیشخور اندیشه‌های زرتشت، آنچنان بود که از آتش به عنوان نور، روشنایی و گرمی و شاهد پیمان‌ها مدد می‌جستند و طرفین به پیمان و عهد خود پایبند بودند.

توجه بر این نکته لازم است که اکنون در بزنگاه انتخاب و زمان

حساس بازیابی ارزش‌ها و ارزیابی کار حکومتگران، به روشنی درمی‌یابیم که در دوران هخامنشیان و سال‌هایی که در پی آن آمده است، جامعه‌ی ایرانی به چنان نگرشی از کمال‌گرایی دست یافته بود که روابط انسان‌ها و کنش آنها با حکومت را به گونه‌ای تعبیر و تفسیر می‌کردند که امروزه بشر با همه‌ی قدرت، فناوری و جایگاه سازمان‌های بین‌المللی هنوز به آن دست نیافته است.

یوهی حکومت‌داری و مشارکت مردم با آن به گونه‌ای بوده است که در نیمه‌ی اول قرن بیستم هنوز آرزوی تحقق دوباره‌ی آن را در دل فرزندان و فرهنگیان می‌بینیم. آن رایحه‌ی مهربانی و مدارا که در نگرش‌ها و تصمیم‌های کردار حکومت هخامنشی متبلور بود، هنوز هم دور از دسترس بشر است. آنچنان که در کتیبه‌های آنان می‌خوانیم: «خواست خداوند ... زمین جنگ نیست، بلکه صلح، فراوانی و خوشبختی انسان‌ها است.

همچنین در منشور کوروش آمده است: «بشود که دل‌ها شاد گردد.» شادی هنگامی در خانه‌ی دل انسان‌ها جای می‌گیرد که دغدغه‌های روزمره و وسوسه‌های بی‌قانونی و تجاوز در است‌درازی در صحنه‌ی زندگی او جای نداشته باشد.

اکنون این گلایه رواست که چرا با آن که در اسطوره و تاریخ کهن ایران آمده است که نباید توانا بر ناتوان ستم کند و آرر شاه است که اهورامزدا این کشور را از دشمن و دروغ بپاید، در صحنه‌ی گیتی جایگاهی در خور تمدن و تاریخ سرزمین‌مان نداریم؟

متأسفانه کوشندگان فرهنگی این مرز و بوم، تلاشی شایسته در این زمینه نکرده و خویشتن را تقویت ننموده‌اند. اکنون هنگامه‌ای است که برای روشن‌شدن چشم شر باید یک بار دیگر این معانی و مفاهیم را نخست برای فرزندان این سرزمین که نیاز به خودباوری و بازیابی

دوباره‌ی هویت خویش دارند، بازگو کنیم.

این مهم، مورد توجه سازمان‌های فرهنگی بین‌المللی نیز قرار گرفته است، تا آن‌جا که در گزارش مجمع جهانی یونسکو^۱ در تهران چنین آمده است: «... قوت و ضعف فرهنگ‌ها کمتر به دلیل قوت و ضعف ارزش‌های سازنده آنها و بیش‌تر معلول نیروی وسایل ارتباطی است. دهه‌های آنها است؛ بنابراین، فرهنگ‌هایی با نظام‌های ارزشی بسیار گسترده و والا ممکن است در تماس با فرهنگ‌های دیگر که وسایل ارتباطی و ایده‌دهنده‌ی نیرومندی در اختیار دارند، محو و تباه شوند و می‌دانیم که چنان‌که در اغلب کشورها به پذیرش بی‌چون و چرا و برده‌وار ارزش‌های خارجی گرایش بسیار دارند.»

در این زمینه گسترش و طرح هر گونه گفت‌وگو و اشاعه و انتشار این میراث‌های ملموس و ناملموس ارزنده، در خور تقدیر و سپاس است. تلاش جناب آقای کورش رحیم که مبارت به ترجمه‌ی این کتاب کرده است - و این خود نشان‌دهنده‌ی آن است که بیگانگان به ژرفا و بزرگی تمدن ایران باستان، بیش از ما توجه دارند - گرانسنگ و ارجمند است. تلاش ایشان با احترام در یادها خواهد ماند.

محمدعسی دانشیار

عضو شورای عالی نظارت بر حقوق بشر

کانون مدافعان حقوق بشر ایران

بهار ۱۳۸۷

1. Pierre Moinot, *Rapport de la reunion de Tehran sur la politique culturelle*, 16-20 Mai, 1970.

به نقل از کتاب دوباره‌ی فرهنگ، نوشته‌ی جلال ستاری، تهران، وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۴.